

شیوانا گوشه ای از مدرسه نشسته و به کاری مشغول بود و در عین حال به صحبت چند نفر از شاگردانش گوش می داد. یکی از شاگردان ده دقیقه یک ریز در مورد شاگردی که غایب بود صحبت کرد و راجع به مسایل شخصی فرد غایب حدسیات و برداشت های متفاوتی بیان کرد. حتی چند دقیقه آخر وقتی حرف کم آورد در مورد خصوصیات شخصی و خانوادگی شاگرد غایب هم سخنانی گفت.

وقتی کلام شاگرد غیبت کن تمام شد، شیوانا به سمت او برگشت و با لحنی کنجکاوانه از او پرسید: بابت این ده دقیقه ای که از وقت ارزشمند خودت به آن شاگرد غایب دادی، چقدر از او گرفتی؟
شاگرد غیبت کن با تعجب گفت: هیچ چیز! راجع به کدام ده دقیقه من صحبت می کنید؟
شیوانا تبسمی کرد و گفت:

هر دقیقه ای که به دیگران می پردازی در واقع یک دقیقه از خودت را از دست می دهی. تو ده دقیقه تمام از وقت ارزشمندی را که می توانستی در مورد خودت و مشکلات و نواقص و مسایل زندگی خودت فکر کنی، به آن شاگرد غایب پرداختی. این ده دقیقه دیگر به تو بر نمی گردد که صرف خودت کنی.

حال سوال من این است که برای این ده دقیقه ای که روزی در زندگی متوجه ارزش فوق العاده آن خواهی شد، چقدر پول از شاگرد غایب گرفته ای؟

اگر هیچ نگرفتی و به رایگان وقت خودت و این دوستانت را هدر داده ای که وای بر شما که این قدر راحت زمان های ارزشمند جوانی خود را هدر می دهید.

اگر هم پولی گرفته ای باید بین دوستانت تقسیم کنی، چون با ده دقیقه صحبت کردن، تک تک این افراد نیز ده دقیقه گرانقدر زندگیشان را با شنیدن مسایل شخصی دیگران هدر داده اند.